

Analysis of Surah Yasin using speech act theory Emphasizing the example of John

(Received: 2022-7-22 Accepted: 2023-1-21)

DOR: <https://dorl.net/dor/20.1001.1.26767384.2022.7.2.6.2>Molaebrahim, Ezzat¹Sepehr Abolfazl²**Abstract**

The application of linguistics in the study of religious texts, including the Holy Quran, helps in its systematic reading. One of the sub-branches of linguistics is the pragmatics of language, which is manifested in approaches such as speech act theory. The theory of "speech act" is one of the important topics of discourse analysis in the field of linguistics, which was first proposed by "Austin" and after him, "Searle" presented a fivefold classification for it. The basis of Searle's speech act theory is based on the fact that a plan of a verb followed by a sentence in the discourse process can be divided into five categories of declarative, emotional, persuasive, obligatory and declarative actions.

Considering the centrality of refinement that exists in Surah Yasin and drawing a desirable value system in this Surah, the present study aims to explain the structure of Surah Yasin and with a descriptive-analytical method, it aims to answer the question of what are the different types of speech acts in Surah Yasin. ? The main message of the surah defines a new value system in the form of a statement. The act of commitment in the form of oaths that goes from completely visible and tangible things to unseen and intangible things provides reassurance and expression of the importance of the matter for the tellers.

Keywords: Surah Yasin, speech act, John Searle, context of situation.

¹ . Dr. Ezzat Molla Ebrahimi (professor, Department of Arabic Language and Literature, Tehran University. Tehran. Iran (Corresponding Author) mebrahim@ut.ac.ir

² . Abolfazl Sepehr, Master Student of Arabic Language and Literature, University of Tehran. Iran abolfazlsepehr1368@gmail.com



This work is licensed under a Creative Commons Attribution 4.0 International License



نوع مقاله: پژوهشی

کنش گفتاری سرل در گستره کاربردشناسی زبان (مطالعه موردی سوره یاسین)

(تاریخ دریافت ۱۴۰۱/۴/۳۱ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱/۱۱)

DOR: <https://dorl.net/dor/20.1001.1.26767384.2022.7.2.6.2>

ملا براهمی، عزت^۱

سپهر، ابوالفضل^۲

چکیده

به کارگیری مباحث زبان‌شناسی در مطالعه متون دینی از جمله قرآن کریم، به خوانش نظام‌مند آن کمک می‌کند. یکی از زیر شاخه‌های زبان‌شناسی، کاربردشناسی زبان است که در رویکردهایی مانند نظریه کنش گفتاری نمود می‌یابد. نظریه «کنش گفتاری» یکی از مباحث مهم تحلیل گفتمان در حوزه دانش زبان‌شناسی به‌شمار می‌رود که در آغاز توسط «آستین» مطرح شد و پس از او، «سرل» طبقه‌بندی پنج‌گانه‌ای را برای آن ارائه داد. پایه نظریه کنش گفتاری سرل بر این استوار است که نقشه‌ای فعل و به‌دنبال آن جمله را در فرآیند گفتمان می‌توان به پنج دسته کنشهای اظهاری، عاطفی، ترغیبی، تعهدی و اعلامی تقسیم‌بندی کرد. با عنایت به محوریت تهذیبی که در سوره یاسین موجود می‌باشد و ترسیم نظام ارزشی مطلوب در این سوره، پژوهش حاضر با هدف تبیین ساختار سوره یاسین و با روش توصیفی - تحلیلی در صدد پاسخگویی به این سوال است که گونه‌های مختلف کنش‌های گفتاری در سوره یاسین کدامند؟ پیام اصلی سوره در قالب کنش اظهاری، نظام ارزشی جدیدی را تعریف می‌کند. کنش تعهدی در قالب سوگندهایی که از موارد کاملاً مشهود و محسوس به سمت امور غیبی و غیر محسوس، سیر می‌کند اطمینان بخشی و بیان اهمیت موضوع را برای گفته‌یابان فراهم می‌نماید، علاوه بر این کنش‌های اظهاری و اعلامی موجود در سوره با استمداد جستن از هنجارگریزی زبانی به نوعی با کنش عاطفی و ترغیبی همراه است.

کلیدواژه‌ها: سوره یاسین، کنش گفتاری، جان سرل، بافت موقعیت.

^۱ استاد، گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه تهران، تهران. ایران (نویسنده مسئول) mebrahim@ut.ac.it

^۲ دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عربی، دانشگاه تهران، تهران. ایران. abolfazlsepehr1368@gmail.com

قرآن کریم به عنوان منبع دینی و معرفتی مسلمانان، از جنبه‌های گوناگون مورد توجه عالمان و پژوهشگران بوده است. تلاش محافل دینی و پژوهشی برای درک و دریافت از این متن مقدس، به ایجاد راه‌ها و روش‌های گوناگون تفسیری انجامیده است. یکی از این راه‌ها، خوانش قرآن کریم از حیث مسائل زبان‌شناسی و نظریه‌های زبان است. با تلفیق میان رشته‌ای در مباحث علوم دینی و رشته‌هایی چون زبان‌شناسی، می‌توان به گونه‌ای روشمند به خوانش قرآن پرداخت.

تحلیل و واکاوی متون از منظر مباحث زبان‌شناسی این امکان را به محقق می‌دهد تا از زوایای گوناگون به مسئله پژوهشی خود بنگرد. یکی از زیر شاخه‌های این مبحث، کاربردشناسی زبان است که در رویکردهایی مانند نظریه کنش گفتاری نمود می‌یابد. قائلان به کنش گفتاری معتقدند که فعل و پاره گفتاری که توسط گوینده بیان می‌شود، یک کنش محسوب می‌شود. به این معنا که انسان در قالب سخن گفتن که البته نوعی رفتار قاعده مند به حساب می‌آید، افعال بسیاری از قبیل توصیف، اخبار، امر، نهی، دعا، آرزو و... را انجام می‌دهد. ارتباط زبانی در صورت تحقق این فعل گفتاری صورت می‌گیرد. آستین^۱ از جمله پیشگامان این نظریه است که پس از او افرادی نظیر جان سرل^۲ به تشریح این نظریه و پروراندن آن روی آوردند. سرل با نظریات خود تغییراتی در این حوزه به وجود آورد و دست‌یابی به فعل مضمون در سخن^۳ را هدف اصلی این نظریه بیان کرد. آنچه دست‌یابی به این هدف را هموار می‌سازد، توجه به بافت است. «در واقع کنش گفتار جنبه مهمی از کاربردشناسی زبان است که موضوع بحث آن معانی خاصی است که مشارکین گفتمان بنا به دانش زمینه‌ای خود و تفسیرشان از بافت متن، به اجزای تشکیل دهنده متن نسبت می‌دهند.» (آقاگل‌زاده، ۱۳۹۲: ۵۷۱) لذا کاربردشناسی نظریه کنش گفتاری در تحلیل متون به متخصصان متون مذهبی این امکان را داده است تا ماهیت دینی این متون را به شکل نظام‌مندتری تفسیر کنند. (بوتا، ۱۹۹۱: ۳۰۰)

سوره یاسین از سوره‌های مکی است و در روایات از سوره یس به عنوان قلب قرآن یاد شده است و هشتاد و سه آیه دارد که در جزء ۲۳ قرآن کریم آورده شده است. این سوره به نام اولین آیه اش که از

1 . John Langshaw Austin .

2 .John Searl.

3 .locutionary act.



حروف مقطعه می‌باشد نامگذاری شده است. مطالب این سوره بر محور عقاید است، مانند تمام سوره‌های مکی که به اصول دین اسلام استوار می‌باشند. تعلیم آن به فرزندان و هدیه کردن آن و ثواب قرائت این سوره به مردگان بسیار سفارش شده است. این سوره با گواهی خداوند به رسالت پیامبر اسلام ﷺ در آغاز آن و با بیان رسالت سه تن از پیامبران الهی ادامه می‌یابد.

در بخشی از این سوره، به برخی از آیات عظمت پروردگار در هستی به عنوان نشانه‌های توحید اشاره شده است. و در بخش دیگر مسائل و داستان‌هایی مربوط به معاد، سوال و جواب در دادگاه قیامت و ویژگی‌های بهشت و دوزخ مطرح شده است.

بنابراین پژوهش حاضر با بهره‌گیری از مؤلفه‌های نظریه کنش گفتاری جان سرل و بکارگیری روش توصیفی-تحلیلی در صدد پاسخگویی به این سوال است که انواع مختلف کنش‌های گفتاری براساس نظریه جان سرل در سوره یاسین کدامند؟ براساس نظریه کنش گفتاری سرل چگونه مورد تحلیل و بررسی قرار می‌گیرد؟ برای پاسخگویی به این سوالات، لازم است در گام نخست میزان کاربست هر یک از انواع کنش‌های گفتاری پنجگانه یعنی کنش گفتاری اظهاری، اعلامی، ترغیبی، عاطفی و تعهدی تعیین گردد و در گام بعد با تحلیل داده‌های به دست آمده از بافت درون زبانی و برون زبانی، ساختار سوره یاسین را در نسبت با کنش‌های گفتاری در لایه مستقیم و غیر مستقیم، تبیین نمود.

۱-۱-۱ پیشنهاد تحقیق

در ابتدای مسیر پژوهش آنچه به کمک می‌آید نگاه به پژوهش‌هایی است که پیش از این در راستای موضوع مورد نظر انجام گرفته است. در رابطه با کاربست نظریه کنش گفتار در سوره یاسین، پژوهش مستقلی انجام نگرفته است. اما پژوهش‌هایی که به نحوی به بررسی کنش گفتار در قرآن پرداخته‌اند و یا از آن سو به مطالعه سوره‌ها پرداخته‌اند می‌تواند مؤثر واقع شود.

۱- مقاله «تحلیل متن شناسی سوره زمر بر مبنای نظریه کنش گفتار سرل» نوشته مرضیه شمس‌الدینی گورزانی، مهرناز گلی و غلامرضا رضوی دوست به لحاظ کاربست نظریه کنش گفتاری در تحلیل سوره با پژوهش حاضر شباهت دارد هرچند به لحاظ موضوع متفاوت است.

Fourth period
The eight number
Spring & Summer
2022

۲- آقایان ابراهیم فلاح و سجاد شفیع پور در مقاله «گفتمان کاوی انتقادی سوره شمس بر اساس الگوی فرکلاف»، با الهام از روش فرکلاف به بررسی سوره شمس پرداخته اند. در این مقاله با تحلیل ساختار متنی همچون واژگان و جملات در سطح توصیف و تطبیق آن با بافت موقعیت در سطح تفسیر گفتمان حاکم، نقش و رابطه آن با گفتمان های موجود در سطح جامعه تبیین شده است. نتایج حاصله نشان داد که گفتمان های سوره شمس در محوری مقاومتی با گفتمان های موجود سطح جامعه سعی در تبیین نظام ارزشی اسلام دارد. نوشته دیگری که با پژوهش حاضر نزدیک است مقاله «دراسة أسلوبیة فی سورة الشمس» نوشته علی مطوری در مجله آفاق الحضارة الاسلامیه، که در آن نویسنده به سبک شناسی این سوره با هدف بیان زیبایی های بلاغی آن پرداخته است.

اما باید اشاره کرد پژوهش حاضر مسیر دیگری را می پیماید، این پژوهش در صدد هستیم که با توجه به بافت سوره، به فعل مضمون در سخن دست یابیم و سپس با توجه به آنچه به دست آمده روشن نماییم که نسبت به کارگیری کنش های گفتاری در سوره یاسین چگونه است و این روش چگونه به ما کمک می کند تا خوانشی روشمند از این سوره داشته باشیم. از آنجا که محوریت تهنیدی قابل توجه ای در سوره یاسین نهفته است و قرآن کریم در این سوره نظام ارزشی مطلوبی را ترسیم می کند، این سوره برای پژوهش انتخاب شده است.

۲-۱-۱ کنش گفتاری سرل در گستره ی کاربردشناسی زبان

کاربردشناسی زبان، به عنوان یک مکتب زبانشناسی در پی کشف مقصود نویسنده یا اغراض کاتب گام برمی دارد، تا اینکه نوعی شفافیت مقصود و محتوا با توجه به بافت و سیاق کلام، روشن گرداند؛ در حقیقت ناظری است که بر تمام حرکات و فاعلیت قوه های زبانی پرده گشایی می کند؛ ولی نگاه استعلایی این مکتب بیشتر به مقصود نویسنده از کلام و تاثیر و فاعلیت آن، اختصاص داده می شود (یول، ۲۰۱۰: ۱۹). کاربردشناسی زبان، در پی آشکار کردن مقصود نویسنده، همواره وظیفه کلام و مقصود آن را در خور توجه قرار می دهد و همواره رابطه مستقیمی با لایه های سطحی و زیرین زبان دارد، که در نتیجه این ارتباط وضوح و شفافیت زبان به کامل ترین شکل ممکن می رسد، چرا که با تمام جنبه های زبانی از نجوای نفس گرفته تا ارتباطات و گفتگوهای اجتماعی را در برمی گیرد.



نظریه کنش گفتاری از نظر قلمرو به حوزه فلسفه زبان تعلق دارد؛ فلسفه زبان شاخه‌ای از فلسفه است که جنبه‌های عام و کلی زبان را توصیف و تبیین می‌کند. این جنبه‌های عام و کلی مسائلی‌اند که اختصاص به زبان خاصی ندارند، بلکه نسبت به هر زبانی صادق‌اند. مسأله صدق، حکایت، معنا و ضرورت و مسائلی از این دست موضوع مطالعه فلسفه زبان هستند (سرل، ۱۳۷۱: ۲۱-۲۰). به‌طور کلی، این نظریه به نقشه‌ای فعل و به‌دنبال آن، جمله در فرآیند گفتمان می‌پردازد؛ نخستین کسی که به این موضوع پرداخت «آستین» چهره انگلیسی تبار و مطرح فلسفه زبان بود. آستین در این نظریه مطرح نمود که مقدار قابل توجهی از گفتار و نوشتار ما یا عین عمل هستند و یا بخشی از عمل می‌باشند. این نوع از گفتار یا نوشتار حاوی افعالی هستند که آنها را افعال کنشی می‌نامیم (آقاگل‌زاده، ۱۳۹۲: ۱۴۱).

کنش‌های گفتاری به مثابه نمایشی از حدث و کارکرد زبان، از ویژگی‌های این احداث زبانی آن است که به تولید زنجیره‌ای از حروف و آواهای مخصوص و منحصر به فردی ختم می‌شود؛ که طبق عرف و عادت خاصی از هم تفکیک داده شده‌اند، طوریکه با اراده و قصد متکلم همخوانی دارد. افزون بر آن کاری که این اصوات و آواهای زبانی انجام می‌دهند؛ این است که بخشی از خصائص زبانی را از بخشی دیگر متمایز می‌گردانند (دایک، ۲۰۰۱: ۱۳۰). ولی آنچه مد نظر کنش‌های گفتاری می‌باشد، جنبه‌های ناهشیاری زبان است که از سطح روساخت زبان به ژرف و عمق زبان نفوذ می‌کند و در نتیجه آن سایه‌ها و اغراض غیر مستقیم زبان به منصف ظهور می‌رسد، با این تصور که، زبان است که قدرت آفرینش تاثیر و انفعال را دارد؛ مشروط به اینکه متکلم آن دارای ابزار کنش باشد و همچنین قدرت زبان را در جایگاه عمل و تجربه نشاند.

آنچه که آستین را به تدوین نظریه «کنش گفتاری» واداشت، مخالفت وی با سفسطه‌ای بود که در دیدگاه «پوزیتیویسم منطقی» نسبت به مسأله معناداری مطرح شده بود. براساس آن سفسطه، تنها کارکرد فلسفی زبان، ساختن جمله‌های صادق یا کاذب بود؛ اثبات‌گرایان^۳ مدعی بودند اگر نتوان جمله‌ای را در اساس، به لحاظ صدق و کذب مورد ارزیابی قرار داد، آن جمله بی‌معناست (لویسون، ۱۹۱۳: ۲۲۳)؛ بنابراین آستین، به سبب تلاش‌های فراوان در مقابله با آنها و ارائه الگویی مناسب در این خصوص، بنیانگذار این نظریه قلمداد می‌شود. وی پس از بررسی و مطالعه بسیار در این حوزه، در نهایت سه سطح متفاوت از افعالی که انسان هنگام سخن گفتن انجام می‌دهد، ارائه نمود:

الف- کنش بیانی: اظهار عبارت‌هایی که معنا و مصداق ندارند؛

ب- کنش منظوری: گوینده از اظهارات خود مقصود خاصی دارد؛

ج- کنش تأثیری: کلام معنادار در شنونده تأثیر خاصی می‌گذارد (پایا، ۱۳۱۳: ۴۴۰).

نظریه آستین به رغم تلاش‌های بی‌شائبه وی در این خصوص، با اشکالاتی روبه‌رو بود. از اینرو تلاش‌های زیادی پس از آن، جهت اصلاح دیدگاه آستین و ارائه تقسیم‌بندی مناسب‌تر برای آن انجام گرفت؛ مهم‌ترین آنها که با مقبولیت بیشتری نسبت با بقیه، مواجه شد تقسیم‌بندی «سرل» بود؛ به اعتقاد وی، مطالعه کنش گفتاری مبتنی بر ظرفیت‌های اساسی ذهن است که از رهگذر حالت‌های ذهنی همچون باور، تمایل، نظایر و به‌ویژه از طریق عمل و ادراک آن، رابطه ارگانیک را با جهان برقرار می‌کند (سرل، ۱۳۷۱: ۳).

این استاد آمریکایی و مشهور فلسفه زبان - که نزد آستین نیز شاگردی کرده بود- در جهت رفع اشکالات نظریه مذکور برآمد و در مجموع دسته‌بندی پنجگانه‌ای را برای کنش‌های گفتاری ارائه نمود: «کنش اظهاری، کنش ترغیبی، کنش تعهدی، کنش عاطفی و کنش اعلامی» (بوتا، ۱۹۹۱: ۳۴۴ - ۳۶۹).

از جمله مظاهر اختلاف بین جان سرل و جون آستین در تأثیر این کنش‌های گفتاری می‌باشد، آستین معتقد است که، همه این تأثیرات و انفعالات کنش‌ها به متکلم گوینده برمی‌گردد. ولی جان سرل بر عکس او، تمام این تأثیرات و کنش‌ها را حاصل تفسیر و تحلیل مخاطب می‌داند. در واقع این مخاطب است که با تحلیل زبان، تیغ زبان را برنده می‌کند و در نتیجه کنش‌های زبانی مؤثر واقع می‌شود (کاظم صادق، ۲۰۱۵: ۱۵۵).

طرح اصلی همه این کنش‌های گفتاری صورت ذهنی و غیر محسوس می‌باشد، که بایستی همه اینها، به مرحله ادراک و تأثیرات روحی برسد. همچنین در مرحله‌ای که این کنش‌ها از متکلم (یا نویسنده‌ای) صاحب قدرت و مقام صادر نشود؛ نمی‌توان انتظار داشت، که عاملیت و تأثیر را به مخاطب تزریق کند. لذا قدرت متکلم، زمینه تأثیر و عاملیت زبان را فراهم می‌سازد و در نتیجه آن، همه این کنش‌ها به میدان عاملیت و عمل در می‌آید.

۱-۲ بافت موقعیت در سوره یاسین

با توجه به گفتمانی که در قرآن صورت گرفته، خداوند در مقام گوینده وحی گفتاری، افعال گفتاری یا همان کنش‌های گفتاری را برای پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به عنوان مخاطب انجام داده است و در این ارتباط زبانی، جملات معناداری را اظهار کرده است. پیام وحی نیز همان فعل ضمن گفتار است



که از آن معنا به دست می‌آید. پس از تثبیت وحی گفتاری از طریق نوشتن، هر مخاطبی که با زبان متن آشناست می‌تواند آن را بخواند و به دنبال کنش‌های گفتاری خداوند باشد. در نظریه کنش گفتاری، تنها معنای ظاهری مورد توجه نیست؛ بلکه شرایط زمانی، مکانی، فرهنگی و... را به صورت پنهان با خود همراه دارد و شامل ناگفته‌های یک متن می‌شود. از این رو پیش از بازیابی کنش‌های گفتاری در سوره یاسین، به بیان بافت کلی سوره می‌پردازیم:

سوره مبارکه «یاسین» سی و ششمین سوره و از سوره‌های مکی قرآن که در جزء ۲۲ و ۲۳ قرآن جای گرفته است. این سوره چون با حروف مُقَطَّعه «یاء و سین» آغاز شده، به این نام مشهور است. طبق روایات، سوره یس یکی از بافضیلت‌ترین سوره‌های قرآن است، تا آنجا که قلب قرآن لقب گرفته است.

سوره یاسین به سه اصل دین توحید، نبوت و معاد می‌پردازد و درباره زنده شدن مردگان و سخن گفتن اعضای بدن در قیامت سخن می‌گوید. همچنین داستان اصحاب قریه و مؤمن آل‌یس در این سوره آمده است.

در روایات ما و روایات اهل سنت هست که پیغمبر اکرم ﷺ فرمود: سوره یاسین قلب قرآن است؛ «لکل شیء قلب و قلب القرآن سورة یس». سوره مبارکه یاسین بنا به روایتی ۸۳ آیه است، بنا به روایتی ۸۲، البته نه اینکه آیه‌اش کم و زیاد شده باشد. بنا به بعضی از قرائات کلمه (یس) یک آیه است و بعد از خواندن آن مقداری توقف می‌کنیم؛ اما به نقل بعضی از قراء آیه مستقلی نیست و متصل به آیه بعدی است. آنها که یک آیه شمرده‌اند می‌گویند ۸۳ آیه است و کسانی که متصل دانسته‌اند می‌گویند سوره یس ۸۲ آیه است.

سوره یاسین، سوره عظیمی است؛ ابن ماجه یا یکی از این سنن نقل می‌کنند که پیغمبر اکرم ﷺ فرمود: «اقرئوا علی موتاکم سورة یس» در روایت پیامبر آمده که برای گذشتگان خود سوره یس را قرائت کنید، معلوم می‌شود که میت با خواندن قرآن بر او نفع می‌برد. در تفسیر مجمع البیان در آغاز تفسیر سوره یاسین آمده که ابوبصیر از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند: «ان لکل شیء قلباً و قلب القرآن یس فمن قرأ یس فی نهاره قبل ان یمسی کان فی نهاره من المحفوظین والمرزوقین حتی یمسی، و من قرأها فی الله

قبل ان ينام و كل به الف ملك يحفظونه من كل شيطان رجيم و من كل آفة» (طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۸/ ۶۴۷). هرکس آنرا در صبح پیش از آنکه غروب شود بخواند در تمام طول روز محفوظ و پر روزی خواهد بود، و هر کس آن را در شب پیش از خفتن بخواند خداوند هزار فرشته را بر او مأمور می‌کند که او را از هر شیطان رجیم و هر آفتی حفظ کند.

این سوره مبارکه دارای سه بخش می‌باشد: بخش اول درباره نبوت، بخش دوم درباره توحید و بخش سوم آن مربوط به معاد است.



۳-۱ انواع کنش‌های گفتاری سرل در سوره یاسین

۳-۱-۱ کنش اظهاری! توصیف حالت یا حادثه‌ای است که گوینده عقیده خود را درباره درستی و نادرستی (صدق و کذب) یک مطلب اظهار می‌کند. این کنش، تعهد گوینده را نسبت به صدق گزاره مطرح شده نشان می‌دهد (صفوی، ۱۳۱۳: ۱۲) به عبارت دیگر در این کنش، گوینده، ادعای صادق بودن عبارت بر زبان جاری شده را دارد. ﴿إِنَّا آتَخَذْنَا مِنْ دُونِهِ آلِهَةً إِن يَرِدْنا الرَّحْمَنُ بِضُرٍّ لَا تُغْنِي عَنْنا شَفَاعَتُهُمْ شَيْئاً وَ لا يُنْفَعُونَ﴾. این بخش از آیات نشان دهنده کنش اظهاری است که به نوعی ادعا و نگرش گوینده کنش گفتاری را آشکار می‌کند. نتیجه کنش ترغیبی در بخش اول، در این جا بروز می‌یابد. از زمینه ای که توسط آن کنش‌های گفتاری ایجاد شده، برای تغییر نظام ارزشی، بهره گرفته می‌شود. به طور کلی اظهارات، ادعاها، نتیجه‌گیری‌ها، بیانات، تأکیدات، توصیفات و ابزار حقایق و مانند اینها که گوینده در آن، جهان خارج را آنگونه که باور دارد به تصویر می‌کشد، دارای کنش اظهاری است (حباشه، ۲۰۱۰: ۳۰۹)؛ به عنوان مثال عبارت‌هایی چون «من هرگز به اروپا نرفتم» و «فردا هوا بارانی است» دارای کنش اظهاری هستند.

¹.Representatives act.



گفتنی است افعال کنش اظهاری شامل تأیید کردن، دلیل آوردن، معرفی کردن، توصیف کردن، تفسیر کردن، شرح دادن، تغییر فعالیت دادن، بخشیدن، نفی کردن، اعتراض کردن، نقد کردن، محدود کردن، رها نمودن، ابراز کردن، ادعا کردن، بحث کردن، بیان کردن، پاسخ دادن، تصریح کردن، دسته بندی کردن، دفاع کردن، گفتن، گزارش دادن و... است (زرقانی و اخلاقی، ۱۳۹۱: ۶۱).

۲-۱-۳ کنش ترغیبی^۱ به آن دسته از کنش‌های گفتاری اطلاق می‌شود که مخاطب را جهت انجام کاری ترغیب می‌کند و او را در حالت تکلیف و اجبار برای انجام عملی قرار می‌دهد. گوینده سعی می‌کند کاری کند که چیزهایی انجام شود و جهان را با محتوای گزاره‌های که شامل عمل آتی شنونده است تطبیق دهد (یول، ۱۹۹۶: ۱۴). به‌عنوان مثال عبارت‌های «لطفاً سکوت را رعایت کنید» و «مبادا این دارو را مصرف کنی» دارای کنش ترغیبی است. این کنش، خواست‌ها و تمایلات گوینده را بیان می‌کند. نمونه بارز کنش ترغیبی را می‌توان در پرسش‌ها و درخواست‌ها مشاهده کرد. افعال کنش ترغیبی شامل: خواستن، توانستن، بایستن و لازم بودن، دستور دادن، دعوت کردن، اجازه دادن، سؤال کردن، بازخواست کردن، اطلاعات درخواست کردن، توضیح خواستن، تقاضا کردن، درخواست اثبات کردن، توصیه کردن، پیشنهاد کردن، القا کردن، هشدار دادن، به مبارزه طلبیدن، تکرار کردن، دوباره راه انداختن، اصرار و پافشاری کردن، اخطار دادن، اعلام نیاز کردن، به مبارزه طلبیدن، توصیه کردن، شرط گذاشتن، نصیحت کردن، التماس و تمنا کردن است. (زرقانی و اخلاقی، ۱۳۹۱: ۶۱). ﴿إِنَّمَا تُنذِرُ مَنِ اتَّبَعَ الذِّكْرَ وَ خَشِيَ الرَّحْمَنَ بِالْغَيْبِ فَبَشِّرْهُ بِمَغْفِرَةٍ وَأَجْرٍ كَرِيمٍ * إِنَّا نَحْنُ نُحْيِي الْمَوْتَىٰ وَ نَكْتُبُ مَا قَدَّمُوا وَ آثَارَهُمْ وَ كُلُّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُّبِينٍ﴾؛ در این فراز آیات شریفه کنش ترغیبی را نشان می‌دهد که نشانه افزایش اهمیت کنشی است که در این دو پاره گفتار رخ می‌دهد. با توجه به "انذار" و

اندرز "پیامبر ﷺ" در سوره یاسین که در این پاره گفتارها موجود می‌باشد، نشان دهنده ساختار ادبی و هنری قرآن است، کنش گفتاری در لایه غیر مستقیم، کنش ترغیبی است که در مخاطب ایجاد سؤال و انگیزه می‌کند که چه موضوع مهمی قرار است گفته شود که چنین سوگندهایی پیش از آن بیان می‌گردد. این کنش‌های گفتاری همه در خدمت کنش گفتاری اصلی است تا مخاطب را در موقعیتی قرار دهد که آمادگی شنیدن خبر نهایی و حقیقی را پیدا نماید.

¹. Directives act.

۳-۱-۳ کنش تعهدی: شامل کنش‌های گفتاری می‌شود که گوینده را نسبت به سیر اعمال آتی متعهد می‌کنند. (آلام، ۱۳۱۲: ۲۰۶). به عبارت دیگر، توان منظوری این کنش آن است که گوینده خود را متعهد می‌سازد تا عملی را در آینده انجام دهد (سرل، ۱۹۹۹: ۱۴). افعالی چون قسم خوردن، تعهد دادن، پیشنهاد دادن، قول دادن، توجیه و ثابت کردن و ضمانت کردن نمونه‌هایی از این کنش گفتاری هستند. کارکرد کنش گفتاری سوگند، اطمینان بخشی و یا بیان اهمیت موضوعی است که نسبت به آن سوگند یاد می‌شود. البته با توجه به بافت برون زبانی، باید در نظر داشت که سوگندهای قرآنی از حیث این که گوینده کنش گفتاری، خداوندی است که در مباحث کلامی، صادق مطلق است و دروغ و خلاف در اوصاف او راه ندارد؛ پس سوگند خوردن به منزله اثبات راست گویی خداوند نیست، چنان چه انسان‌های عادی از سوگند این بهره را می‌برند؛ بلکه از آن جهت که مخاطب کنش گفتاری، به آنچه در جواب سوگند آمده، توجه بیشتری را مبذول دارد، از سوگند بهره گرفته می‌شود. تمام سوگندها به جز «نفس» که به صورت نکره آمده، معرفه است. سیر مفهومی سوگندها از موارد کاملاً مشهود به سمت مواردی مرموزتر و پنهان‌تر است. (یس و القرآن الحکیم انک لمن المرسلین علی صراط مستقیم)؛ همانطور که از زوایای قسم برداشت می‌شود، خداوند-متعال- در پی تقویت تعهد و صدق مفهومی، چنین کنشی را منشعب می‌کند، قسم خوردن خداوند-متعال- به اینکه فرستاده‌اش بر راه راست قدم گذاشته به نوعی بازنمایی کنش تعهدی است، در نتیجه مصداق و مفهوم آن از هر جهت تقویت می‌شود.

در آیات گذشته سخن از گروهی در میان بود که به هیچ‌وجه آمادگی پذیرش انذارهای الهی را ندارند و انذار و عدم انذار در برابر آنها یکسان است، اما آیات مورد بحث از گروه دیگری که درست در نقطه مقابل آنها قرار گرفته‌اند سخن می‌گوید، تا با مقایسه با یکدیگر- همان‌گونه که روش قرآن در بحث است- مساله روشن‌تر شود.

می‌فرماید "تو تنها کسی را انذار می‌کنی که از" ذکر" پیروی کند، و از خداوند رحمن در پنهان بترسد ﴿لَئِنَّمَا تُنذِرُ مَنِ اتَّبَعَ الذُّكْرَ وَ خَشِيَ الرَّحْمَنَ الْغَيْبَ﴾ و کسی که چنین است او را بشارت به مغفرت و پاداش پر ارزش ده "فَبَشِّرْهُ بِمَغْفِرَةٍ وَأَجْرٍ كَرِيمٍ".



در اینجا به چند نکته باید توجه داشت:

۱- در این آیه دو وصف برای کسانی که "انذار" و "اندرز" پیامبر ﷺ در آنها مؤثر است ذکر شده: پیروی از ذکر، و خشیت از خداوند در پنهان، البته منظور از بیان این دو وصف همان آمادگی و جنبه "بالقوه" آن است، یعنی انذار تنها در کسانی مؤثر واقع می‌شود که گوش شنوا و قلب آماده دارند، انذار در آنها دو اثر می‌گذارد: نخست پیروی از ذکر و قرآن، و دیگر احساس ترس در برابر پروردگار و مسئولیت‌ها.

و به تعبیر دیگر این دو حالت بالقوه در آنها وجود دارد، اما بعد از انذار به فعلیت می‌رسد بر خلاف کوردلان لجوج و غافل که هرگز نه گوش شنوا دارند نه آماده خشیت‌اند.

این آیه درست مانند آیات نخستین سوره بقره است که می‌گوید: ﴿ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ﴾ "این کتاب آسمانی شکی در آن نیست و مایه هدایت پرهیزکاران است".

۲- منظور از "ذکر" به عقیده بسیاری از مفسران قرآن مجید است، زیرا این کلمه به همین صورت کرارا در قرآن در همین معنی به کار رفته است!

ولی مانعی ندارد که منظور معنی لغوی آن یعنی هر گونه یادآوری بوده باشد، که شامل آیات قرآن و سایر انذارهای پیامبر ص و رهبران الهی می‌شود.

عادت بیانی قرآن، توجیه کردن مقصود و غرض به شکلی غیر مستقیم است، به عنوان مثال هنگامی که می‌خواهد منکران حقانیت خدا و رسالت پیامبران را سرزنش نماید با دست آویز شدن به مدح و ترغیب

حق طلبان به زاویه‌های کلام فاعلیت و کنش عاطفی می‌بخشد. لذا با این سبک بیانی کنش عاطفی کلام را تقویت می‌نماید و می‌فرماید: ﴿إِنَّمَا تُنذِرُ مَنِ اتَّبَعَ الذِّكْرَ وَخَشِيَ الرَّحْمَنَ الْغَيْبَ﴾. لذا خداوند در برابر کسانی که در برابر حق تسلیم می‌شوند لازم می‌بیند آیه‌ای که از آن بوی تعهد و بشارت استشمام می‌شود، ضمیمه آیات سابق نماید، از این رو با یک نوع کنش تعهدی مقترن با بشارت و مژده، مفهوم

۱. نحل- ۴۴، فصلت- ۴۱، زخرف- ۴۴، قمر- ۲۵، در عین حال واژه "ذکر" به معنی مطلق یادآوری نیز در قرآن کرارا به کار رفته.

آیه را به پایان می‌رساند و می‌فرماید: ﴿فَبَشِّرْهُ بِمَغْفِرَةٍ وَأَجْرٍ كَرِيمٍ﴾. از این رو می‌توان گفت که هرگونه وعد و وعیدی کنش کلام را به کنش تعهدی بدل می‌نماید.

۴-۱-۳ کنش عاطفی! نیز شامل کنش‌هایی هستند که احساسات گوینده را عنوان می‌کنند و بیانگر حالات روانی هستند (یول، ۱۹۹۶: ۱۳) به دیگر بیان، این کنش‌ها بیان حالت روانی گوینده دربارهٔ اوضاع و شرایطی است که در محتوای گزاره‌ای مشخص شده است. در این نوع کنش گوینده نه تلاش می‌کند تا جهان بیرون را با کلماتی که بیان می‌کند مطابقت دهد و نه کلمات بیان شده را با جهان بیرون؛ بلکه صدق و حقیقت گزارهٔ بیان شده بدیهی و مسلم فرض می‌شود (سرل، ۱۹۹۹: ۱۱). «ممنونم»، «از اینکه عزیزتان را از دست دادید متأسفم» عبارت‌هایی هستند که کنش گفتاری آنها بر عاطفه و احساس دلالت دارد. از جمله افعال مرتبط با این کنش را می‌توان تبریک گفتن، سپاسگزاری کردن، عذرخواهی کردن، تمجید کردن، اظهار تأسف کردن، هجو کردن، سلام دادن، تحسین کردن، سرزنش کردن، خشنود کردن، دشنام دادن، اهانت کردن، تعجب کردن، تشکر کردن، شکایت کردن، خشمگین شدن، خشمگین کردن، ناسپاسی کردن، ناامید شدن و ... عنوان کرد. به شرح نعمت‌های دیگر پرداخته، چنین می‌گوید: " آنها و همسرانشان در سایه‌های لذت بخش، بر تختها، در خلوتگاهها تکیه کرده‌اند ﴿هُمُ وَأَزْوَاجُهُمْ فِي ظِلَالٍ عَلَى الْأُرَائِكِ مُتَكُونُونَ﴾. کنش عاطفی نیز در بخش پایانی سوره یاسین که بیان حالات بهشتیان است، در لایه غیر مستقیم، به ایجاد انگیزه در مخاطب اشاره دارد.

در آخرین آیه مورد بحث با لحنی بسیار گیرا و مؤثر بر خورد تمام سرکشان تاریخ را با دعوت پیامبران خدا یک جا مورد بحث قرار داده می‌گوید: " وا حسرتا بر این بندگان که هیچ پیامبری برای هدایت آنها نیامد مگر اینکه او را به باد استهزا گرفتند ﴿يَا حَسْرَةً عَلَى الْعِبَادِ مَا يَأْتِيهِمْ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ﴾.

وای بر آنها که دریچه‌های رحمت خدا را به روی خود بستند! اسفا بر آنها که چراغهای هدایت خویش را شکستند! بیچاره و محروم از سعادت آن گروهی که نه تنها گوش هوش به ندای رهبران ندهند، بلکه به استهزا و سخریه آنها بر خیزند، سپس آنها را از دم شمشیر بگذرانند، در حالی که آنها سرنوشت شوم طغیان‌گران بی‌ایمان را قبل از خود دیده بودند و سرانجام دردناکشان را با گوش شنیده یا در صفحات



تاریخ خوانده بودند اما کمترین عبرتی نگرفتند، و درست در همان وادی گام نهادند و به همان سرنوشت گرفتار شدند! روشن است این جمله گفتار خدا است چون تمام این آیات از سوی او بیان می‌شود، ولی البته جمله "حسرت" به معنی ناراحتی درونی در برابر حوادثی که کاری از دست انسان در مورد آن ساخته نیست در باره خداوند معنی ندارد، همان گونه که "خشم" و "غضب" و مانند آن نیز به مفهوم حقیقی در مورد او وجود ندارد، بلکه منظور این است که حال این تیره روزان چنان بود که هر انسانی از وضع آنها آگاه می‌شد متأسف و متأثر می‌گشت که چرا با این همه وسائل نجات در این گرداب هولناک غرق شوند؟! (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۱: ج ۱۸ / ۳۵۹). در این دو آیه با توجه به بحثی که در آخرین آیات گذشته در باره غفلت مستمر گروه عظیمی از مردم جهان در طول اعصار و قرون پیشین گذشت می‌فرماید: "آیا آنها ندیدند که ما افراد زیادی از قرون و اقوام پیش از آنها را بر اثر طغیان ظلمشان به هلاکت رساندیم؟! ﴿لَمْ يَرَوْا كَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِنَ الْقُرُونِ﴾ در حقیقت آیات مذکور به نوعی با لحن پرسشی مقترن با تأسف و حسرت به جوانب مختلف کنش عاطفی دامن می‌زند، چنین پرسشی دست و بازوی کنش عاطفی به حساب می‌آید و ناظر بر محدودیت‌های قوه بشری است. لذا شالوده‌های بن‌مایه بی‌باوران را به شدت لگدمال می‌کند.

متکلم به واسطه این کنش‌ها می‌خواهد عواطف و احساسات خودش را بروز بدهد، طوریکه صداقت و راستی این احساسات آشکار گردد؛ مقصود از راست بودن، هماهنگی احساسات با شرایط صداقت این کنش‌هاست، که با متوسل شدن به بافت و اقتضاء کلام روشن می‌شود (متوکل، ۲۰۱۲: ۲۲).

۱-۳-۵ کنش اعلامی: نیز شامل کنش‌های گفتاری است که به محض بیان آنها، در جهان بیرون تغییراتی واقعی ایجاد می‌شود (سرل، ۱۳۷۱: ۱۳) از آنجا که مؤثرترین این کنش‌ها وابسته به نهادهای اجتماعی و قانونی است، می‌توان آنها را کنش‌های «نهادینه» نامید. در چنین کنشی گوینده با بیان جمله در جهان خارج تغییر ایجاد می‌کند یعنی بین محتوای گزاره‌ای جمله و جهان خارج انطباق ایجاد می‌کند (بوقره، ۲۰۱۲: ۳۰۹) افعال کنش اعلامی شامل انتصاب کردن، اعلام نمودن، آغاز کردن، پایان دادن، نام‌گذاردن، به‌کار گماردن، محکوم کردن، تحریک کردن، عقد ازدواج درآوردن و ... می‌شود. به عنوان مثال عبارت «من شما دو نفر را به عقد یکدیگر درمی‌آورم» دارای کنش اعلامی است. می‌فرماید: "برای آنها اصحاب

^۱Declarations act.

قریه را مثال بز ن هنگامی که فرستادگان خدا به سوی آنها آمدند ﴿وَ اضْرِبْ لَهُمْ مَثَلًا اصْحَابَ الْقَرْيَةِ إِذْ جَاءَهَا الْمُرْسَلُونَ﴾. لحن کاربرد فعل امر (اضرب) در پی افاده تغییر و دگرگونی در روحیه مخاطب است که چنین لحنی فریاد تدبیر و اندیشه مجدد را در درون مخاطبان بازسازی می‌کند. لذا کنش به کار رفته، به عنوان کنش اعلامی انجام وظیفه می‌کند و با تحریک احساسات و عواطف همراه می‌باشد.

در ادامه قرآن می‌فرماید: همان بهانه‌ای را که بسیاری از کافران سرکش در برابر پیامبران الهی پیش کشیدند مطرح نمودند "گفتند: شما بشری همانند ما هستید، و خداوند رحمان چیزی نازل نکرده سرمایه شما چیزی جز دروغ نیست!" ﴿قَالُوا مَا أَنْتُمْ إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُنَا وَمَا أَنْزَلَ الرَّحْمَنُ مِنْ شَيْءٍ إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا تَكْذُوبُونَ﴾. اگر بنا بود فرستاده‌ای از طرف خدا بیاید باید فرشته مقربی باشد نه انسانی همچون ما، و همین را دلیل برای تکذیب رسولان و انکار نزول فرمان الهی پنداشتند، در حالی که شاید خودشان نیز می‌دانستند که در طول تاریخ همه پیامبران از نسل آدم بوده‌اند، از جمله ابراهیم را که همگی به رسالت می‌شناختند مسلماً انسان بود، و از این گذشته مگر نیازها و مشکلات و دردهای انسانها را جز انسان می‌تواند درک کند؟ به هر حال این پیامبران از مخالفت سرسختانه آن قوم گمراه مایوس نشدند و ضعف و سستی به خود راه ندادند، و در پاسخ آنها چنین "گفتند: پروردگار ما می‌داند که ما قطعاً فرستادگان او به سوی شما هستیم" ﴿قَالُوا رَبَّنَا يَعْلَمُ إِنَّا إِلَيْكُمْ لَمُرْسَلُونَ﴾.

و بر عهده ما چیزی جز ابلاغ رسالت به طور آشکار و روشن نیست "﴿وَمَا عَلَيْنَا إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ﴾" ولی این کوردلان در برابر آن منطقی روشن و معجزات تسلیم نشدند، بلکه بر خشونت خود افزودند، و از مرحله تکذیب پا فراتر نهاده به مرحله تهدید و شدت عمل گام نهادند "گفتند: ما شما را به فال بد گرفته‌ایم، وجود شما شوم است و مایه بدبختی شهر و دیار ما!" ﴿قَالُوا إِنَّا تَطَيَّرْنَا بِكُمْ﴾ ممکن است مقارن آمدن این پیامبران الهی بعضی مشکلات در زندگی مردم آن دیار بر اثر گناهانشان و یا به عنوان هشدار الهی حاصل شده باشد، چنان که بعضی از مفسران نیز نقل کرده‌اند که مدتی نزول باران قطع شد ولی آنها نه تنها عبرتی نگرفتند بلکه این حادثه را به دعوت رسولان پیوند دادند. در ادامه آیات مورد بحث بخش دیگری از مبارزات رسولانی که در این داستان به آنها اشاره شده، آمده است و آن مربوط به حمایت حساب شده و شجاعانه مؤمنان اندک از آنها است که در برابر اکثریت کافر و مشرک و لجوج ایستادند و تا سر حد جان از پیامبران الهی دفاع کردند.



نخست می‌فرماید: "مردی (با ایمان) از نقطه دور دست شهر با سرعت و شتاب به سراغ گروه کافران آمد و گفت: ای قوم من! از فرستادگان خدا پیروی کنید" ﴿وَجَاءَ مِنْ أَقْصَا الْمَدِينَةِ رَجُلٌ يَسْعَى قَالَ يَا قَوْمِ اتَّبِعُوا الْمُرْسَلِينَ﴾. تعبیر به "رجل" به صورت ناشناخته، شاید اشاره به این نکته است که او یک فرد عادی بود، قدرت و شوکتی نداشت، و در مسیر خود تک و تنها بود، در عین حال نور و حرارت ایمان آن چنان او را روشن و گرم ساخته بود که بی‌اعتنا به پیامدهای این دفاع سرسختانه از مبارزان راه توحید، وارد معرکه شد، تا مؤمنان عصر پیامبر ص در آغاز اسلام که عده قلیلی بیش نبودند سرمشق بگیرند و بدانند حتی یک نفر مؤمن تنها نیز دارای مسئولیت است و سکوت برای او جائز نیست. (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۱: ج ۱۸ / ۳۴۹) تعبیر به (یا قوم) (ای قوم من) بیانگر دلسوزی این مرد نسبت به اهل شهر و مردم آن دیار است، و دعوت به پیروی از رسولان دعوتی است خالصانه که هیچ نفعی برای شخص او در آن مطرح نیست. اکنون ببینیم این مؤمن مجاهد به چه منطق و دلیلی برای جلب توجه همشهریانش متوسل گشت؟ نخست از این در وارد شد که: "از کسانی پیروی کنید که از شما اجر و مزدی در برابر دعوت خود نمی‌خواهند" ﴿اتَّبِعُوا مَنْ لَا يَسْئَلُكُمْ أَجْرًا﴾. این خود نخستین نشانه صدق آنها است که هیچ منفعت مادی در دعوتشان ندارند، نه از شما مالی می‌خواهند، و نه جاه و مقام، و نه حتی تشکر و سپاسگزاری و نه هیچ اجر و پاداش دیگر. اکنون ببینیم این مؤمن مجاهد به چه منطق و دلیلی برای جلب توجه همشهریانش متوسل گشت؟ نخست از این در وارد شد که: "از کسانی پیروی کنید که از شما اجر و مزدی در برابر دعوت خود نمی‌خواهند" ﴿اتَّبِعُوا مَنْ لَا يَسْئَلُكُمْ أَجْرًا﴾. این خود نخستین نشانه صدق آنها است که هیچ منفعت مادی در دعوتشان ندارند، نه از شما مالی می‌خواهند، و نه جاه و مقام، و نه حتی تشکر و سپاسگزاری و نه هیچ اجر و پاداش دیگر. کارکرد ترکیب (یا قوم اتبعوا) جلوه‌گر دو کنش عاطفی و اعلامی می‌باشد. همین دو کنش است که نیروی محرکه زبان را چند برابر می‌افزاید. کاربست منادای (یا قوم) از یک طرف دلسوزی و غمخواری آن مرد را با یک کنش عاطفی بروز می‌دهد و از طرف دیگر با یک تاکتیک زبانی در پی آفرینش مفهوم دلسوزی است. لذا همه زاویه‌ها و توانایی‌های زبانی با چنین تعبیری ارتقاء می‌یابد. سپس می‌افزاید: بعلاوه "این رسولان چنان که از محتوای دعوت و سخنانشان بر می‌آید افرادی هدایت یافته‌اند" ﴿وَهُمْ مُهْتَدُونَ﴾. سپس به دلیل دیگری می‌پردازد و به سراغ اصل توحید که عمده‌ترین نکته دعوت این رسولان بوده است می‌رود و می‌گوید: "من چرا کسی را

پرستش نکنم که مرا آفریده است"؟ ﴿وَمَا لِي لَا أَعْبُدُ الَّذِي فَطَرَنِي﴾ و به دنبال آن هشدار می‌دهد که مراقب باشید" همه شما سرانجام تنها به سوی او باز می‌گردید" ﴿وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ﴾ عبارت (وما لی لا أعبد...) به صورت غیر مستقیم یک نوع پیام هدایت را می‌آفریند، طوریکه لحن عبارت به نوعی کنش اعلامی را تزریق می‌کند. همین حالت از بیان زبانی است که زایشگر پیام‌های پنهان و غیر مستقیم است. از این رو با یک تاکتیک انحرافی نوعی تغییر و دگرگونی را در وجود مخاطب ایجاد می‌کند. این سوره در سومین استدلال خود به وضع بتها پرداخته، و اثبات عبودیت را برای خداوند با نفی عبودیت از بتها تکمیل می‌کند، می‌گوید: "آیا غیر از خداوند معبودانی را انتخاب کنم که اگر خداوند رحمن بخواید زبانی به من برساند شفاعت آنها کمترین فایده‌ای برای من نخواهد داشت، و مرا از مجازات او هرگز نجات نخواهند داد" ﴿أَأَتَّخِذُ مِنْ دُونِهِ آلِهَةً إِنْ يُرِدْنِ الرَّحْمَنُ بِضُرٍّ لَا تُغْنِي عَنِّي شَفَاعَتُهُمْ شَيْئاً وَلَا يُنْقِذُونِ﴾. این بخش از آیات نشان دهنده کنش‌های اظهاری است که به نوعی ادعا و نگرش‌گوینده کنش گفتاری را آشکار می‌کند. نتیجه کنش‌ترغیبی در بخش اول، در این جا بروز می‌یابد. از زمینه‌ای که توسط آن کنش‌های گفتاری ایجاد شده، برای تغییر نظام ارزشی، بهره‌گرفته می‌شود.

اما ببینیم عکس‌العمل این قوم لجوج در برابر این مؤمن پاکباز چه بود؟ در سوره مبارکه یاسین سخنی از آن به میان نمی‌آورد، ولی از لحن آیات بعد استفاده می‌شود که آنها بر او شوریدند و شهیدش کردند. این حقیقت را با جمله جالب و سرپسته‌ای بیان کرده، می‌گوید: "به او گفته شد وارد بهشت شو" (قِيلَ ادْخُلِ الْجَنَّةَ). این تعبیری است که در باره شهیدان راه خدا در آیات دیگر قرآن آمده است: ﴿وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتاً بَلْ أحياءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يَرْزُقُونَ﴾ "گمان مکن کسانی که در راه خدا کشته شدند مردگانند، بلکه آنها زنده جاویدند و نزد پروردگارش روزی داده می‌شوند" (آل عمران / ۱۶۹). همه آیات قرآنی حلقه‌های از هم گسسته یک زنجیره اصلی هستند، هرکدام از آنها به نوعی قلب مخاطبان را به تپش و می‌دارد؛ طوریکه از دل آن تغییر و دگرگونی از هر جهت در جهان خارج محقق می‌شود. از این رو پیام‌های غیر مستقیم آیات به نوعی با کنش‌های اعلامی همراه و مقترن است.

جالب اینکه این تعبیر نشان می‌دهد که شهادت این مرد مؤمن همان، و داخل شدن او در بهشت همان، آن چنان فاصله میان این دو کم و کوتاه بوده است که قرآن مجید در تعبیر لطیفش به جای ذکر شهادت او دخول او را در بهشت بیان کرده، و چه نزدیک است راه بر شهیدان، راه بهشت و سعادت جاویدان!



روشن است منظور از بهشت در اینجا بهشت برزخی است، چرا که هم از آیات و هم از روایات استفاده می‌شود که بهشت جاویدان در قیامت نصیب مؤمنان خواهد شد همانگونه که دوزخ نیز در مورد بدکاران چنین است.

این‌ها نخستین گروهی نیستند که بر روی زمین گام نهاده‌اند پیش از آن، اقوام سرکش دیگری در این جهان زندگی می‌کردند، و سرنوشت دردناک آنها که بر صفحات تاریخ ثبت است و آثار غم‌انگیزشان که در ویرانه‌های شهرهای آباد آنها بر جای مانده در برابر چشم آنها قرار دارد، آیا این مقدار کافی برای درس عبرت نیست؟! در اینکه ضمیر جمع در (ألم یروا) (آیا ندیدند) به چه کسی بر می‌گردد؟ لحن زبان آیه با انحراف از ساختار شائع و مألوف به نوعی در پی افاده تقویت مفهوم می‌باشد. لذا کنش اعلامی آیه به نوعی با کنش ترغیبی همراه شده است. همین امر است که باعث تغییر و دگرگونی در روحیه مخاطب می‌گردد و در نتیجه تغییرات واقعی در رفتار خوانندگان ملموس و عینی می‌گرداند. در

آیه بعد می‌افزاید: "همه آنها بدون استثنا در روز قیامت نزد ما حاضر می‌شوند" **﴿وَأِنَّ كُلَّ لَمَّا جَمِيعٌ لَدَيْنَا مُحْضَرُونَ﴾**. یعنی اینطور نیست که اگر هلاک شدند و نتوانستند به این جهان باز گردند مساله تمام است، نه مرگ در حقیقت آغاز کار است نه پایان، به زودی همگی در عرصه محشر برای حساب گردآوری می‌شوند، و بعد از آن مجازات دردناک الهی، مجازاتی مستمر و پی‌گیر در انتظار آنهاست. به دنبال ذکر منطق سست و بهانه‌جویانه کفار در مورد انفاقها که در آیات قبل گذشت تا آیات ۵۰ سوره مبارکه یاسین، در آیات مورد بحث سخن را از استهزاء آنها نسبت به قیام قیامت شروع می‌کند، و منطق پوسیده آنها را در مورد انکار معاد با جواب قاطع در هم می‌کوبد. به علاوه بحث‌هایی را که در طی آیات پیشین در زمینه توحید بیان شد با بحثهای معاد تکمیل می‌نماید.

در این بخش به عنوان شاهد مثال، از قومی یاد می‌شود که در دو قطبی به فلاح رسیدن و تزکیه شدن از یک سو و زیانکار گشتن و محروم شدن از رستگاری از سوی دیگر، با تکذیب فرد مومن، طغیان نموده و زیانکار شدند و از زمره اهل فلاح خارج شدند. کنش گفتاری در لایه غیر مستقیم آیات، کنش ترغیبی عبرت‌گیری است. گوینده کنش گفتاری قصد دارد با ایجاد خوف در مخاطب کنونی در قالب کنش عاطفی و ترغیبی، مخاطب را از دچار شدن به سرنوشتی مشابه برحذر دارد.

در ادامه آیات بحث پیرامون چگونگی حساب در محشر را سرریسته گذارده و از آن می‌گذرد، و به تشریح سرانجام کار مؤمنان صالح و کافران طالح پرداخته، چنین می‌گوید: "امروز به هیچکس ستم نمی‌شود" ﴿فَالْيَوْمَ لَا تُظَلَّمُ نَفْسٌ شَيْئًا﴾. نه از پاداش کسی کاسته می‌شود، و نه کیفر کسی افزون می‌گردد، و حتی به قدر یک سر سوزن کم و زیاد و بی به هر حال بعد از نعمت آرامش خاطر که خمیر مایه همه نعمتها، و شرط استفاده از همه مواهب است، در اینجا خداوند -متعال- آیه را با نوعی کنش اعلامی بیان می‌نماید، تا این حقیقت را در درون مخاطب ایجاد کند که هیچ کس در ساحت قیامت به اندازه نوک سوزنی ظلم نمی‌بیند. همین سبک بیانی و تعبیری است که قدرت بالندگی زبان را چند برابر می‌افزاید و در نتیجه حقیقت به شکل برهانی در مقابل چشمان مخاطب نمایان می‌شود.

این پنج کنش گفتاری ارائه شده از سوی سرل به «پنجگانه سرل» معروف است. به گفته «ورشورن» طبقه‌بندی سرل مؤثرترین طبقه‌بندی ارائه شده تاکنون است؛ زیرا طبقات به هیچ وجه انحصاری نیستند به گونه‌ای که یک پاره‌گفتار می‌تواند انواع مختلفی از کنش را در برداشته باشد (نقاری، ۲۰۰۶: ۲۴). ناگفته نماند که در این نظریه، پاره‌گفتار از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است به طوری که بیشتر زبان‌شناسان در تجزیه و تحلیل کلام، پاره‌گفتار را به‌عنوان واحد تحلیل به کار می‌برند. (کریستال، ۱۹۱۱: ۳۲۲).

هرچند تعریف جامع و مانعی از پاره‌گفتار بیان نشده است؛ اما بررسی‌ها نشان می‌دهد، پاره‌گفتار قطعه‌ای کوتاه یا بلند از زبان است که معنای آن حاصل تعامل زبان و بافت تولید آن است. این دیدگاه، انعطاف پژوهشگر را در تحلیل فرآیند ارتباطی در متن افزایش می‌دهد؛ چرا که از منظر کنش‌های گفتار می‌تواند یک کلمه، یک گفتمان کامل یا اثر ادبی باشد؛ اما اصول تحلیل یک پاره‌گفتار تک جمله‌ای و یک قطعه طولانی یکسان است، بنابراین می‌توان بخشی از یک متن را انتخاب و تحلیل کرد (بوتا، ۱۹۹۱: ۲۹۱).



نتیجه:

با توجه به پرسش اول مبنی بر اینکه گونه‌های مختلف کنش‌های گفتاری در سوره یاسین کدامند؟ به‌عنوان یک گفتمان، براساس نظریه کنش گفتاری سرل چگونه مورد تحلیل و بررسی قرار می‌گیرد؟ باید اذعان داشت زبان‌شناسی و کاربردشناسی زبان و نظریه‌های مطرح در آن از جمله نظریه کنش گفتاری، می‌تواند در معناشناسی و تحلیل گفتمان زبانی متون دینی همچون قرآن مجید به‌عنوان یک گفتمان دینی و مذهبی، چشم‌اندازهای نوینی را فراروی ما قرار دهد. به همین منظور سوره مبارکه یاسین که به سه بخش تقسیم می‌گردد به‌عنوان نمونه انتخاب شد تا براساس این نظریه مورد تحلیل قرار گیرد. نکته قابل توجه آنکه در این نظریه مبنای تحلیل و بررسی براساس طبقه‌بندی پنجگانه سرل، یافته‌هایی را برجای نهاده است که در ذیل به آن اشاره می‌گردد: پیام اصلی سوره در قالب کنش اظهاری، نظام ارزشی جدیدی را تعریف می‌کند. کنش تعهدی در قالب سوگندهایی که از موارد کاملاً مشهود و محسوس به سمت امور غیبی و غیر محسوس، سیر می‌کند اطمینان بخشی و بیان اهمیت موضوع را برای گفته‌یابان فراهم می‌نماید. به طور کلی سوره مبارکه یاسین به سه اصل دین توحید، نبوت و معاد می‌پردازد و درباره زنده‌شدن مردگان و سخن‌گفتن اعضای بدن در قیامت سخن می‌گوید. لذا بخش اول گفته شد که کارکرد کنش گفتاری سوگند، اطمینان بخشی و یا بیان اهمیت موضوعی بود که نسبت به آن سوگند یاد شده است. در بخش دوم سوم کنش گفتاری در لایه غیر مستقیم، کنش ترغیبی است که در مخاطب ایجاد سؤال و انگیزه می‌کند که چه موضوع مهمی قرار است گفته شود که چنین سوگندهایی پیش از آن بیان می‌گردد. این کنش‌های گفتاری همه در خدمت کنش گفتاری اصلی است تا مخاطب را در موقعیتی قرار دهد که آمادگی شنیدن خبر نهایی و حقیقی را پیدا نماید و در بخش سوم با استفاده از کنش عاطفی به بیان حالات بهشتیان پرداخته می‌شود، که در لایه غیر مستقیم، به ایجاد انگیزه در مخاطب اشاره دارد.

از طرف دیگر لحن کنش‌های گفتاری موجود در سوره یاسین با توجه به تغییر ساختارهای زبانی و انحراف از زبان معیار، به نوعی خاموشی‌های نهفته‌ای را در زبان روشن کرده است. لذا اکثر کنش‌های گفتاری در لایه‌های زبانی این سوره از مایه‌های عاطفی و ترغیبی تغذیه کرده‌اند، مخصوصاً کنش‌های اظهاری و اعلامی موجود در آن به نوعی با کنش عاطفی و ترغیبی مقترن شده است.

منابع:

۱- قرآن مجید

۲- آقاگل زاده، فردوس (۱۳۹۲): «فرهنگ توصیفی تحلیل گفتمان و کاربردشناسی»، تهران: نشر علمی.

۳- آلام، کر (۱۳۸۲): «نشانه شناسی تئاتر و درام»، مترجم فرزانه سجودی، تهران: انتشارات قطره.

۴- بوقره، نعمان (۲۰۱۲): «اللسانیات الخطاب مباحث فی التأسيس والإجراء»، بیروت: دار الکتب العلمیه.

۵- پایا، علی (۱۳۷۳): «فلسفه تحلیلی؛ مسائل و چشم اندازها»، تهران: انتشارات طرح نو، چاپ دوم.

۶- حباشه، صابر (۲۰۱۰): «اللسانیات الخطاب الأسلوبیة والتلفظ والتداولیة»، لاذقیة: دار الحوار للنشر.

۷- دایک، فان (۲۰۰۱): «علم النص مدخل متداخل الاختصاصات»، مترجم سعید حسن بحیری، قاهره: دار القاهره للكتاب.

۸- زرقانی، سید مهدی و الهام اخلاقی (۱۳۹۱): «تحلیل ژانر شطح بر اساس نظریه کنش گفتار»، دوفصلنامه علمی - پژوهشی ادبیات عرفانی، شماره ۶، صص ۱۰-۶۱.

۹- سرل، جان (۱۳۷۱): «فعال گفتاری»، مترجم علی عبداللهی، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

۱۰- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲): «مجمع البیان فی تفسیر القرآن»، تهران: ناصر خسرو، چاپ سوم.

۱۱- کاظم صادق، مثنی (۲۰۱۵): «أسلوبیة الحجاج التداولی والبلاغی تنظیر وتطبیق علی السور المکیة»، بیروت: منشورات الضفاف.

۱۲- متوکل، احمد (۲۰۱۲): «اللسانیات الوظيفیة المقارنہ دراسة فی التمیط والتطور»، بیروت: الدار العربیة للعلوم.

۱۳- مکارم شیرازی، ناصر و دیگران (۱۳۷۱): «تفسیر نمونه»، تهران: دارالکتب الإسلامیه، چاپ دهم.

۱۴- نقاری، حمو (۲۰۰۶): «التحاجج طبیعته ومجالاته ووظائفه»، الدار البیضاء: کلیة الاداب والعلوم الإنسانیة بالرباط.

۱۵- یول، جورج (۱۹۹۶): «التداولیة»، مترجم قصی العتابی، بیروت: الدار العربیة للعلوم.



References:

- 1- The Holy Quran
- 2- Aghagolzadeh, Ferdous (2012): "Descriptive culture of discourse analysis and pragmatics", Tehran: Scientific publication.
- 3- Alam, Ker (1382): "Symptomology of Theater and Drama", translated by Farzan Sojodi, Tehran: Qatreh Publications.
- 4- Bukhara, Noman (2012): "Linguistics of rhetoric, topics in establishment and practice", Beirut: Dar al-Kutub al-Alamiyyah.
- 5- Paya, Ali (1373): "Analytical philosophy; Issues and prospects", Tehran: New design publications, second edition.
- 6- Habasha, Saber (2010): "The Linguistics of Al-Khattab, Style, Pronunciation, and Tadawuliya", Latakia: Dar al-Hawwar Publishing House.
- 7- Dike, Fan (2001): "The science of the text of the text of the cross-referenced text", translated by Saeed Hassan Behairi, Cairo: Dar al-Cahairah llalkatab.
- 8- Zarkani, Seyyed Mehdi and Elham Akhli (2012): "Analysis of Shatah genre based on speech act theory", scientific-research journal of mystical literature, number 6, pp. 61-10.
- 9- Searle, John (1371): "Speech Verbs", translated by Ali Abdullahi, Qom: Research Institute of Islamic Sciences and Culture.
- 10- Tabarsi, Fazl bin Hasan (1372): "Collection of Al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an", Tehran: Nasser Khosro, third edition.
- 11- Kazem Sadegh, Muthani (2015): "Al-Hajjai al-Hajjai al-Dalagiri and rhetorical style of interpretation and application to Sural al-Makiyya", Beirut: Manshurat Al-Dafaf.
- 12- Mutawakkel, Ahmed (2012): "Comparative Functional Linguistics, Study in Classification and Development", Beirut: Al-Dar al-Arabiya Lululum.

- 13- Makarem Shirazi, Nasser and others (1371): "Sample interpretation", Tehran: Dar al-Kutb al-Islamiyeh, 10th edition.
- 14- Naqari, Hamo (2006): "Al-Tahajj Nabartah, Majalate, and Fusafah", Al-Dar al-Bayda: Faculty of Arts and Humanities in Rabat.
- 15- Yule, George (1996): "Al-Tadawlawayi", translated by Qusay al-Atabi, Beirut: Al-Dar al-Arabiya lul-Uloom.